

گونه شناسی تجارب دینی دانش‌آموختگان دبیرستانی و میزان انطباق آن با اهداف اعتقادی نظام

آموزشی ایران

Typology of High School Graduates' Religious Experience and its Conformity with the Ideological Goals of Iran's Educational System

تاریخ دریافت مقاله: ۱۲/۰۵/۹۲؛ تاریخ پذیرش مقاله: ۰۴/۱۲/۹۲

B. Azami

N. Mosapour (Ph.D)

Kh. Bagheri (Ph.D)

M. Aliasgari (Ph.D)

بهارک اعظمی^۱

نعمت‌الله موسی‌پور^۲

خسرو باقری^۳

مجید علی‌عسگری^۴

Abstract: In this paper, the nature of religious experience and its types, as well as the degree such experiences complied with the ideological aims of the Iranian educational system were considered from the viewpoints of high school graduates. The research was qualitative and followed by a phenomenological approach. For this purpose, twelve graduates were selected through purposeful sampling from religious and non-religious families, and underwent semi-structured and in-depth interviews. The interviews were transcribed and the records were assessed using qualitative content analysis. The findings of the research in the section regarding the portrayal of religious experience were arranged around the triadic dimensions of religiosity (morals, Sharia and belief, which is in turn divided into subcategories of God, Afterlife and prophets). Moreover, their compliance with the ideological goals of the education system was determined by comparing the resulting categories with those included in the education system's goals, which had been named according to the parameters of the formal religion. The results showed that identified specific alternative types of religiosity to be common among high-school graduates, which had formed around concepts such as cordial belief in God, internal and natural inclination towards moral issues, and resorting to logic (rather than spiritual guides) for complying with the commandments of religion.

Key Word: Religious Experience, Ideological Goals, Graduates, Curriculum, Educational System

چکیده: پژوهش حاضر ماهیت تجربه دین‌داری و انواع آن و همچنین میزان انطباق تجارب مذکور با اهداف اعتقادی نظام آموزش و پرورش رسمی کشور را از منظر دانش‌آموختگان این نظام بررسی کرده است. این پژوهش به صورت کیفی و به روش پدیدارشناسانه انجام شد. دوازده دانش‌آموخته نظام با روش نمونه‌گیری هدفمند از بین خانواده‌های دین‌دار و غیر دین‌دار انتخاب شدند و با آن‌ها مصاحبه نیمه‌سازمان‌یافته و عمیق انجام شد. آنگاه متن مصاحبه‌ها با روش تحلیل محتوای کیفی تجزیه و تحلیل شد. یافته‌های پژوهش در قسمت توصیف تجارب دین‌داری حول محور ابعاد سه‌گانه دین‌داری (اعتقادات با سه زیر مقوله خدا، معاد، نبوت، اخلاق و احکام) تنظیم و برای تعیین میزان انطباق آن با اهداف اعتقادی نظام، مقوله‌های حاصل با مقوله‌های موجود در اهداف نظام آموزشی که بر اساس مؤلفه‌های دین رسمی نام‌گذاری شدند، مورد مقایسه قرار گرفت. نتایج حاکی از آن است که در گونه‌های دین‌داری انواع خاصی از دین‌داری با محوریت باور قلبی به خدا، گرایش به مسائل اخلاقی با منشأ درونی و فطری و تبعیت از عقل در فروع دین (به‌جای تبعیت از علمای دینی) در میان دانش‌آموختگان سطح دیپلم رایج است.

کلید واژه‌ها: دین تجربه‌شده، گونه‌های دین‌داری، دانش‌آموخته نظام آموزش و پرورش، اهداف اعتقادی نظام آموزش و پرورش رسمی.

baharaz84@yahoo.com

n_mosapour@yahoo.com

kbagheri4@yahoo.com

aliasgari2002@yahoo.com

۱. دانشجوی دکتری برنامه‌ریزی درسی دانشگاه خوارزمی

۲. دانشیار دانشگاه فرهنگیان

۳. استاد فلسفه تعلیم و تربیت دانشگاه تهران

۴. دانشیار برنامه‌ریزی درسی دانشگاه خوارزمی

مقدمه

دین‌باوری و التزام به ارزش‌ها، اصول و چارچوب‌های دینی اگرچه طی سده‌های پس از ورود اسلام به ایران از وجوه شاخص فرهنگی و اجتماعی این مرز و بوم به حساب آمده ولی اندیشه پذیرش دین به‌عنوان یک نظام جامع و خودبسنده اجتماعی، سیاسی و تربیتی در قرن اخیر، به دلیل «توسعه عقلانیت، عدم قطعیت و فردگرایی» (سراج‌زاده، ۱۳۸۴: ۹) به چالش کشیده شده است. زندگی در عصری که هویت علوم انسانی و به تبع آن علوم دینی در معرض بحران‌های شالوده شکن قرار گرفته و امکان ایجاد یک هستی‌شناسی و معرفت‌شناسی بنیادین که بتواند منشأ «تبیین‌های کلیت‌بخش یا به بیان لیوتار^۱ فراوایت باشد، از اساس زیر سؤال رفته» (آریایی‌نیا، ۱۳۸۸: ۱۵۴) و سخن گفتن از ماهیت معرفت دینی اندکی دشوارتر از قبل شده است.

هر چه که از سال‌های ظهور مدرنیته بیشتر فاصله می‌گیریم بر پیچیدگی مفاهیم در حوزه علوم اجتماعی بیشتر افزوده می‌شود. مطلوب اذهان حقیقت‌جوی عصر حاضر این است که به دین به‌عنوان پدیده‌ای اجتماعی همچون سایر پدیده‌ها نگریده شود، پدیده‌ای که هرگونه پرسشگری را برتابد، توان پاسخگویی به نیازهای متعدد و یارای مقاومت در دریای پرتلاطم تراحم اندیشه‌ها در قرن بیست و یک را داشته باشد.

طی چند دهه گذشته با مطرح شدن موضوع عاملیت انسانی، بر شکل‌گیری آگاهی‌ها و امور روانی از طریق واقعیت‌های اجتماعی تأکید شده است. «جرج هربرت مید^۲ (۱۹۶۴) تأکید می‌کند که مفاهیم بازتاب یافته در آگاهی‌های انسانی صرفاً ذهنی نیستند؛ بلکه مستلزم زبان یعنی یک جهان اجتماعی گفتمان بوده و به جهانی مشترک تعلق دارند و کنش‌های انسانی هم به‌وسیله جهان اجتماعی شکل می‌گیرد و هم به آن شکل می‌دهد» (مک‌کارتی، ۱۳۸۸: ۱۴۰). در عصر حاضر اندیشمندان علوم انسانی نیز در پارادایم تفسیری به دنبال بررسی رابطه بین آگاهی فردی و زندگی اجتماعی هستند و براین اساس به دنبال ارائه چگونگی حضور آگاهی انسان در تولید کنش اجتماعی هستند. مطابق این دیدگاه، انسان از تجارب خود معنا می‌سازد و آنچه در این راستا ساخته می‌شود یک پدیدار^۳ یا به‌زعم جامعه‌شناختی یک واقعیت اجتماعی است. به همین دلیل «در سال‌های اخیر، پدیدارشناسی نه تنها به‌عنوان یک روش بلکه به‌عنوان یک نگرش و طرز

1. Lyotard, J.F
2. Mead, G.H.
3. Phenomenon

گونه شناسی تجارب دینی دانش‌آموختگان دبیرستانی و...

نگاه جدید به جهان در کشف و نمایش ماهیت اجتماعی معرفت و تجربه بشری مشارکت فعال می‌کند» (ایمان، ۱۳۸۸: ۲۷۸).

در چنین شرایطی که اندیشه «معرفت به‌مثابه فرهنگ» بر فضای فکری جامعه جهانی مسلط شده است معرفت دینی افراد همانند سایر معرفت‌ها به‌سادگی و آن‌گونه که قصد و نیت سیاست‌گذاران و برنامه‌ریزان بر آن تعلق می‌گیرد، شکل نمی‌گیرد. افراد در درون شبکه پیچیده‌ای از افکار و اندیشه‌ها که غالباً منشأ فرهنگی و ایدئولوژیکی دارد، ساختار تجارب خود را شکل می‌دهند.

نگاهی به تاریخ تحولات فلسفه علم نشان می‌دهد که در دوره روایت‌های مابعد اثبات‌گرایی، تأثیر نوع نگاه انسان به هستی حتی در شکل‌گیری نظریه‌های علمی نیز مفروض انگاشته شده است. چنانکه ماسترمن^۱ (۱۹۷۰) در توضیحی که برای ابهام‌زدایی از مفهوم الگو (پارادایم) در نظریه توماس کوهن^۲ آورده، ذکر می‌کند الگو از دید کوهن علاوه بر معانی جامعه‌شناختی و سازه‌ای معنی متافیزیکی نیز دارد که عبارت است از طریقه جدید نگرستن به اشیا (باقری، ۱۳۸۷: ۳۰). حاکمیت نوع جدید نگاه در کلیه حوزه‌های معرفتی بشر مشهود است که حوزه دین نیز به یقین از این قاعده مستثنی نیست. چنانکه باقری (۱۳۸۷: ۸۹) در کتاب «هویت علم دینی» شرح می‌دهد که بافت معرفت دینی چندان پیچیده است که بسا کسانی که گمان می‌کنند به دور از هر پیش‌فرض و گرایش به معرفت دین نائل آمده‌اند، خود به گونه دیگری در کمند پیش‌فرض‌هایی اسیر افتاده‌اند.

در چنین بستر فکری فهم ماهیت معرفت دینی افراد، به نظر بسیار پیچیده می‌رسد. بر میزان این پیچیدگی زمانی افزوده می‌شود که تعداد مجاری و مبادی تأثیرگذار و دخیل در شکل‌دهی به معرفت دینی افراد در یک جامعه همچون جامعه کنونی ایران، به دلیل دینی بودن حکومت، متعدد و متنوع باشد. یکی از منابع مهم تأثیرگذار، آموزش‌های دینی نظام رسمی تعلیم و تربیت است که با تلاشی وسیع و همه‌جانبه سعی در شکل‌دهی به نظام باورهای دینی افراد دارد. باوجوداین، نتیجه حاصل از آن جای پرسش دارد؛ که به‌واقع تا چه حد این تلاش‌ها مثمرتر واقع می‌شوند؟

1. M. Masterman

2. Tomas Kuhn

بیان مسأله

انقلاب اسلامی و تشکیل جمهوری اسلامی سبب شد تا دین از یک امر و رابطه‌ی صرفاً فردی و خصوصی به یک امر اجتماعی با حضور گسترده تبدیل شود؛ امری که کلیه شئون زندگی اجتماعی را در برمی‌گیرد. این نگاه به دین گرچه از سوی حکومت مورد حمایت قرار گرفت و در برنامه‌های درسی رسمی متبلور شد، اما این پرسش پس از سه‌دهه تلاش رسمی برای حاکمیت آن، جای طرح دارد که: تجربه دانش‌آموختگان از دین در چه اشکال و انواعی شکل می‌یابد و تا چه میزان با آنچه منظور و مقصود نظام آموزشی است، انطباق دارد؟

محور اصلی برای تدارک و تنظیم برنامه‌های درسی آموزش دین، اهداف کلی نظام آموزش و پرورش کشور است که تحت مقوله «اهداف اعتقادی» نام‌گذاری شده‌اند. مطلوب هر نظام آموزشی، تحقق اهداف در نگرش‌ها، باورها و رفتارهای دانش‌آموختگان آن نظام است. آنچه در پژوهش حاضر مدنظر است دستیابی به تصویری توصیفی از ادراکات دینی دانش‌آموختگان نظام آموزش و پرورش رسمی کشور (دیپلم) و سنجش میزان انطباق ادراکات حاصل با اهداف اعتقادی نظام مذکور است.

ادراک از دین همواره با یک تفسیر و تعبیر همراه است. ادراک دینی ناب، فرامفهومی، فرازبانی، فرافرهنگی و فارغ از آموزش وجود ندارد. اساساً معرفت‌بخش بودن و میزان ادراک از دین تابعی از آگاهی‌ها و اطلاعات پیش‌زمینه فرد است. ارزش‌های فرهنگی نیز تأثیر شگرفی بر ادراک از دین افراد دارد. به عبارتی، پیش‌فرض‌های فرهنگی و آموزش‌های رسمی و غیررسمی، اساس ادراک از دین افراد را می‌سازد. ادراک از دین در تعامل مستمر با آموزش و برنامه درسی شکل می‌گیرد، متحول می‌شود و استحکام می‌یابد. به‌همین دلیل، جستجوی نسبت بین دین ادراک شده با برنامه‌های درسی و اهداف نظام آموزشی موضوعی قابل پیگیری است. از سوی دیگر آموزش‌های رسمی در کنار ادراکات متفاوت از دین به دلیل بسترها و زمینه‌های فرهنگی، اجتماعی و خانوادگی، منجر به شکل‌گیری اشکال و گونه‌های متفاوتی از دین‌داری بین دانش‌آموختگان نظام رسمی آموزش و پرورش می‌شود. شناسایی این اشکال متفاوت از دین‌داری نیز از طریق پژوهش حاضر قابل انجام است.

چارچوب مفهومی پژوهش

دین‌داری و گونه‌های آن: دین‌داری^۱ یا التزام دینی^۲ یکی از مفاهیمی است که در حوزه مطالعات جامعه‌شناسی دین از سال‌های دهه‌های پنجاه و شصت و میلادی مورد توجه واقع شده است. اهتمام برای ارائه تعریفی جامع از مفهوم دین‌داری با شکل‌گیری اندیشه ماهیت چندبعدی دین و دین‌داری همزمان بود. در طول دهه‌های یادشده، «جامعه‌شناسان آمریکایی که تحت تأثیر تعریف دورکیم^۳ از دین قرار داشتند، دیدگاه چندبعدی دین‌داری را توسعه دادند. باآنکه واچ^۴ برای نخستین بار این نکته را مطرح کرد که تجربه دینی در همه ادیان جهان دارای سه بعد است اما موضوع ابعاد چندگانه دین‌داری بانام گلاک و استارک^۵ پیوند خورده است» (سراج زاده، ۱۳۸۴: ۶۰). «چشم‌انداز انواع دین‌داری امکان نگاه طیفی، مبتنی بر منطق فازی و در حالت‌های بیش از دو وضعیت را فراهم می‌آورد که مطابق دیدگاه‌های روش‌شناختی، امکان شناخت آفرینی و واقع‌نمایی بیشتری را فراهم می‌آورد» (میرسندسی، ۱۳۹۰: ۹۰). به دلیل همخوانی چنین نگاهی با جنس پژوهش حاضر، در تفسیر یافته‌های پژوهش، این چشم‌انداز مورد استناد خواهد بود.

دین‌داری واژه‌ای ملازم با دین است. لذا برای ارائه تعریفی در باب دین‌داری لازم است تا تعریف موردنظر در خصوص دین مشخص شود و تعریف دین‌داری بر آن استوار گردد. چراکه دین‌داری به‌نوعی به حضور دین دلالت می‌کند. پژوهش حاضر به دلیل ماهیت و وسعت حوزه مطالعاتی که دربرگیرنده طیفی وسیع از ادراکات زیسته افراد درباره دین است، الزام به گزینش تعریفی وسیع از مفهوم دین دارد تا به‌تبع آن مفاهیم وابسته نیز از گستردگی لازم برخوردار شوند. تعریفی جامع از دین که با هدف پژوهش حاضر سنخیت داشته باشد می‌تواند این‌گونه صورت‌بندی شود: «همه انواع باورها و رفتارهایی که به مابعدالطبیعه و ارزش‌های متعالی مربوط است. این تعریف اشکال نهادی شده باورها و رفتارها (مثل آیین‌ها) و اشکال غیر نهادی شده باورها و رفتارها (نظیر هر گونه باور فردی به عالم معنوی و نیز اصول اخلاقی متعالی) را در برمی‌گیرد» (سراج‌زاده، ۱۳۸۴: ۵۹). در راستای اتخاذ چنین تعریفی از دین، مفهوم دین‌داری به

-
1. Religiosity
 2. Religious Commitment
 3. D.E.Durkheim
 4. Watch, 1951
 5. Glock and Stark, 1965

این شکل می‌تواند صورت‌بندی شود: «دین‌داری یعنی داشتن اهتمام (التزام) دینی به‌نحوی که نگرش، گرایش و کنش‌های فرد را متأثر سازد» (صالحی امیری، ۱۳۸۷: ۲۵۴).

میرسندسی در کتاب مقدمه‌ای بر جامعه‌شناسی دین و انواع دین‌داری، تقسیم‌بندی «انواع دین‌داری مبتنی بر ابعاد اصلی دین» را پیشنهاد می‌کند. این تقسیم‌بندی به دلیل قرابت محتوایی با پژوهش حاضر از حیث نگاه به سه بعد از ابعاد دین‌داری در تنظیم سؤالات پژوهش، انتخاب و مبنای کار قرار گرفت. مطابق تقسیم‌بندی مذکور، دین‌داری در وهله اول به دو دسته کلی دین‌داری متعادل و نامتعادل تقسیم می‌شود.

دین‌داری متعادل نوعی دین‌داری مبتنی بر ابعاد اصلی دین (اخلاق، مناسک، باور و تجربه دینی) است که غفلت از هیچ‌یک از ابعاد دین در آن دیده نمی‌شود و حتی هیچ‌کدام کوچک شمرده نمی‌شوند. این نوع از دین‌داری مورد توجه و تأیید مقامات رسمی دین است و به عبارتی دیگر می‌توان از آن تحت عنوان **دین‌داری رسمی** در مقابل **دین‌داری غیررسمی** یاد کرد.^۱

در جریان **دین‌داری نامتعادل** ما شاهد نوعی تقلیل‌گرایی^۲ هستیم. در این حالت، کلیت دین به یکی از ابعاد دین تقلیل می‌یابد (میرسندسی، ۱۳۹۰: ۲۰۸). دین‌داری نامتعادل که به سمت تحویل‌گرایی یا فروکاستن یک یا چند بعد از دین تمایل دارد در اصل همان دین‌داری غیررسمی است (همان منبع: ۲۲۵). میرسندسی در کتاب مذکور انواع دین‌داری نامتعادل را به شرح زیر نام می‌برد:

دین‌داری مناسک‌گرا که در آن شاهد برجستگی و اهمیت یافتن اعمال و مناسک دینی و کم‌توجهی و بی‌اهمیتی نسبت به سایر ابعاد هستیم. پژوهش‌های **دین‌داری باورگرا** که در آن باورهای کلی نسبت به برخی اصول دین وجود دارد ولی این اعتقادات به صورت تعمیم‌یافته در مورد تمام جنبه‌های دین مشاهده نمی‌شود. افراد با این نوع دین‌داری به‌عنوان مثال اعتقاد به وجود خداوند دارند ولی به بعد مناسکی دین توجهی نشان نمی‌دهند.

دین‌داری تجربه‌گرا که به شکل گرایش‌ها افراطی همچون صوفی‌گری، درویش‌مسلمکی و مرتاضی‌گری در سطح جوامع گوناگون دیده می‌شود.

1. Formal and Informal Religiosity
2. Reductionism

گونه شناسی تجارب دینی دانش‌آموختگان دبیرستانی و...

دین‌داری اخلاق‌گرا که در آن اخلاق منهای دین^۱ و اخلاق بدون خدا^۲ از مهم‌ترین و رایج‌ترین مفاهیم است. اگرچه ریشه‌های چنین قرائتی از دین متفاوت است ولی پیامدها و آثار آن منجر به کاهش یا تحویل دین صرفاً به مسائل اخلاقی شده است.

میرسندسی در ادامه بحث انواع دین‌داری توضیح می‌دهد که دین‌داری دارای دو هسته مرکزی و پیرامونی است. دین‌داری مبتنی بر ابعاد اصلی دین در سطح مرکزی و محور کانونی دین‌داری قرار دارند و گونه‌های دیگر دین‌داری که در سطح نگرش‌ها و طرز تلقی‌ها راجع به دین جای می‌گیرند، لایه‌های پیرامونی دین‌داری را شکل می‌دهند. انواع این دیداری‌ها عبارت‌اند از: **دین‌داری باواسطه و بی‌واسطه (میزان پیروی از روحانیت)**، **دین‌داری رسمی و غیررسمی**، **دین‌داری سنتی و پویا**، **دین‌داری ایدئولوژیک و غیر ایدئولوژیک**.

اهداف اعتقادی - اخلاقی نظام: در این بخش اهداف اعتقادی - اخلاقی نظام در مقطع متوسطه به‌عنوان نمونه ذکر می‌شود. در بخش اهداف اعتقادی، موارد زیر ذکر شده است:

- ۱- به اصول اعتقادی و مبانی دینی احکام اسلامی پایبند است.
- ۲- با سیر تکاملی ادیان آشناست و از اصول اعتقادی خود با استدلال دفاع می‌کند.
- ۳- در کارها با اتکال به خداوند و با اعتماد به او عمل می‌کند.
- ۴- با زندگی انبیا و ائمه معصومین آشناست و رفتار آنان را الگو قرار می‌دهد.
- ۵- با فلسفه تولی و تبری آشنایی دارد و نسبت به رعایت آن از خود حساسیت نشان می‌دهد.
- ۶- حاکمیت ولایت فقیه را یک اصل قطعی اسلام می‌داند و قدرت تبیین و استدلال در مورد آن را دارد.
- ۷- با زندگی اولیاء دین، بزرگان و شخصیت‌های اسلامی آشناست و از تجارب آن‌ها در زندگی خود بهره می‌جوید.
- ۸- نماز را ستون دین دانسته و آن را اول وقت می‌خواند.
- ۹- تا آنجا که ممکن است قرآن تلاوت می‌کند و با مفاهیم و تفاسیر برخی آیات آشناست.
- ۱۰- از رساله عملیه استفاده می‌کند.
- ۱۱- برای زندگی دنیوی و اخروی خود برنامه‌ریزی می‌کند.

1. Morality without religion

2. Godless morality

- ۱۲- انجام آگاهانه تکلیف در برابر خداوند را وظیفه می‌داند.
 - ۱۳- آمر به معروف و نهی از منکر است.
 - ۱۴- روحیه جهادگری دارد و شهادت را سعادت می‌داند.
 - ۱۵- به انجام مستحبات رغبت نشان می‌دهد و از مکروه پرهیز می‌کند.
 - ۱۶- حضور در مسجد و شرکت در محافل و مراسم مذهبی و اجتماعی را وظیفه دینی می‌داند. در بخش اهداف اخلاقی، موارد زیر مطرح است:
 - ۱- از عوامل گناه و لغزش دوری می‌جوید.
 - ۲- ارزش‌ها و ضد ارزش‌ها را تشخیص می‌دهد و به پاسداری از ارزش‌ها پایبند است.
 - ۳- از توانایی‌های خود به‌درستی استفاده می‌کند.
 - ۴- در رفتار و گفتار خود به رعایت حیا و عفت پایبند است.
 - ۵- اطاعت از والدین را وظیفه خود می‌داند و دیگران را نیز به اطاعت از آن‌ها تشویق می‌کند.
 - ۶- انجام کار خیر را در راه خدا عبادت می‌شمارد.
 - ۷- افکار و اعمال ناپسند را در شأن خود نمی‌داند و از انجام آن خودداری می‌کند.
 - ۸- از لباس‌های مناسب اسلامی و ایرانی استفاده می‌کند.
 - ۹- رفتار و اعمال خود را بر پایه عقل و فکر ارزشیابی و انتخاب می‌کند.
 - ۱۰- رفتاری متعادل دارد و به احساسات خود مسلط است.
 - ۱۱- قوانین و مقررات را رعایت می‌کند و در ترویج آن می‌کوشد.
- توجه و دقت در بندهای مجموعه اهداف قیدشده بالا نشانگر دلالت‌های صریحی بر تصویر گونه دین‌داری موردنظر نظام است. تأکید بر همه ابعاد دین‌داری در گزاره‌های مذکور حاکی از نوعی تصویر از دین‌داری است که در قسمت معرفی انواع دیداری‌ها، از آن تحت عنوان دین‌داری رسمی یادشده است. «تقسیم‌بندی مبتنی بر دین‌داری رسمی/ غیررسمی که متعلق به مک گوایر^۱ است به‌طور قابل‌ملاحظه‌ای تحت تأثیر فرآیند تفکیک نهادی در دین است. براین‌اساس نهادهای تخصصی‌شده دین بر مراقبت اجتماعی از دین متمرکز می‌شوند و هر دین در قالب نهاد تخصصی‌شده، به‌طور مشخص باورها، ارزش‌ها و اعمال خود را در یک مدل منسجم و یکپارچه می‌سازد» (میرسندسی، ۱۳۹۰: ۱۱۲). بر این اساس دین‌داری دین‌داران مبتنی

گونه شناسی تجارب دینی دانش‌آموختگان دبیرستانی و...

بر شاخص‌های رسمی اعلام‌شده از طرف نهاد رسمی دین است. «مک‌گوایر معتقد است دین رسمی به‌طور مشخص شامل چهارعنصر است: آیین و آموزه، معیارهای اخلاقی، تجلی مذهبی، سازمان نهادی. منظور از آیین و آموزه نظام معنی منسجم و یکپارچه شده‌ای است که تنها پس از تأیید رسمی خبرگان دینی منتشر می‌شود همچنین تغییراتی که در طول زمان رخ می‌دهد تنها توسط این مراجع رسمی صورت می‌پذیرد. منظور از معیارهای اخلاقی مجموعه‌ای از هنجارها و قواعد همساز با آموزه‌های دینی است و برای فرد پیرو مشخص می‌کند که انجام چه کنش‌ها و اعمالی و پرهیز از چه اعمالی برای قرار گرفتن فرد در موقعیت یک دین‌دار خوب ضروری است. تجلی مذهبی شامل مجموعه‌ای از مراسم مذهبی و نیایش‌هاست که از طریق نظام معنی و به شیوه مناسبی ابراز می‌شود. سازمان نهادی که دین رسمی از طریق آن خود را در قالب چارچوب‌های نهادی و سازمانی ساماندهی می‌کند که در چنین سازمانی وجود افرادی همچون روحانیون عالی‌مقام ضروری است» (میر سندسی، ۱۳۹۰: ۱۱۳).

در جامعه ایران به دلیل دینی بودن حکومت، در یک نگاه کلی نهاد دولت و در نگاه جزئی‌تر کلیه نهادهای متولی امر سیاست‌گذاری از جمله آموزش و پرورش به دلیل درآمیختگی دین و سیاست از متولیان امور دینی محسوب می‌شوند اگرچه از منظر عناصر چهارگانه دین رسمی نهادهایی نیز وجود دارند که به‌طور مشخص فقط به امر ساماندهی امور دینی افراد مشغول‌اند.

روش تحقیق

برای انجام پژوهش حاضر از روش پدیدارشناسانه استفاده شده است. تمرکز اصلی فلسفه پدیدارشناسی بر تجارب انسانی و مطالعه بازتاب این تجارب در آگاهی انسان است (شورت، ۱۳۷۸: ۲۲۹). «پدیدارشناسی نوعی استراتژی پژوهش است که اساس کار خود را بر تجارب متفاوت افراد از یک پدیده قرار می‌دهد و سعی در ارائه توصیفی عمیق از یک پدیده معین نزد گروه خاصی از افراد دارد. پدیدارشناسان معتقدند که اگر تجارب یا مفاهیم متفاوت افراد از یک پدیده را احصا کرده و در ساختاری بزرگ‌تر آن‌ها را به هم مرتبط سازند، می‌توانند تصویری کامل‌تر از پدیده تجربه‌شده ارائه دهند» (دانایی‌فرد و کاظمی، ۱۳۹۰: ۱۷۵). پدیده موردنظر در این پژوهش دین است که از سه بعد عقاید، اخلاق و احکام، از منظر تجربه‌کنندگان آن مورد

بررسی قرار گرفته است. در این رویکرد پژوهشی، برداشت‌ها و مفاهیم افراد مختلف از پدیده‌ای به نام دین، همچون جورچینی در کنار یکدیگر قرار داده می‌شود تا درکی جامع از واقعیت دین در جامعه امروز، آن‌چنان‌که برای افراد مورد مطالعه معنا پیدا می‌کند، حاصل شود.

از آنجا که در پژوهش حاضر زمینه‌های اجتماعی - خانوادگی تأثیرگذار بر ادراک از دین در افراد از پیش فرض‌های اصلی است، ضروری بود تا نمونه‌ها از خانواده‌هایی با ملاک پایبندی به اعمال مذهبی یا غیر پایبندی به اعمال مذهبی انتخاب شوند. لذا از روش نمونه‌گیری ملاک‌محور^۱ استفاده شد (گال، بورگ و گال، ۱۳۸۶: ۳۹۳). دانش‌آموختگان نظام آموزش و پرورش رسمی کشور افرادی هستند که تحصیل در دوره متوسطه را به اتمام رسانده‌اند و از بین خانواده‌هایی با پایبندی بالا به معیارها و موازین شرع و عدم پایبندی انتخاب شدند. به‌منظور تعیین درجات پایبندی خانواده‌ها به دین، از آنجاکه تعیین ملاک‌های درونی بر اساس نظام باورهای افراد امری تقریباً ناممکن است از معیارهای ظاهری دین‌داری که مربوط به بعد مناسکی دین‌داری است استفاده شد. خانواده‌هایی که در آن‌ها پدر و مادر یا حداقل یکی از آن‌ها مقید به، به‌جا آوردن شعائری همچون نماز و روزه یا فقط نماز باشند با حداقل معیار پایبندی به دین جزء خانواده‌های پایبند به اعمال مذهبی محسوب شدند و خانواده‌هایی که هیچ‌کدام از معیارهای ذکر شده را نداشتند جزء خانواده‌های غیر پایبند به اعمال مذهبی محسوب شدند.

برای گردآوری اطلاعات از روش مصاحبه نیمه‌سازمان‌یافته و عمیق استفاده شد. محل مصاحبه، بنا به نظر مصاحبه‌شوندگان تعیین می‌شد و مدت زمان هر مصاحبه بین چهل الی شصت دقیقه متغیر بود. متن مصاحبه‌ها به‌وسیله دستگاه ضبط صدا^۲ و با کسب رضایت و اجازه شرکت‌کنندگان، ضبط شد و سپس کلمه به کلمه روی کاغذ منتقل شد. کار نمونه‌گیری و مصاحبه تا جایی ادامه یافت که از موارد جدید هیچ دانش جدیدی به دست نیامد که به این حالت اشباع نظری گفته می‌شود. نمونه‌گیری در این پژوهش با دوازده شرکت‌کننده پایان یافت. پس از پیاده کردن متن مصاحبه‌ها و مطالعه آن‌ها، ابهاماتی در برخی مفاهیم و جملات به‌کاررفته توسط مصاحبه‌شوندگان احساس شد که از طریق تماس تلفنی با مصاحبه‌شوندگان و درخواست توضیحات اضافی، اقدامات لازم جهت رفع ابهامات انجام شد.

1. Criterion Sampling
2. MP3 Player

گونه شناسی تجارب دینی دانش‌آموختگان دبیرستانی و...

سؤالات مصاحبه با محوریت نوع ادراک و احساس در خصوص مسائل محوری دین (اعتقادات شامل اعتقاد به خدا، معاد و پیامبران، اخلاقیات و احکام) تنظیم شد.

تجزیه و تحلیل داده‌ها پس از انجام اولین مصاحبه و مکتوب شدن آن آغاز شد. تحلیل اطلاعات به شکل تحلیل محتوای کیفی انجام شد، به این ترتیب که به هر جمله یا عبارت که حاوی یک مضمون یا مفهوم بود، یک کد تعلق گرفت. در پایان مرحله کدگذاری، سیاهه‌ای از اطلاعات فراهم شد تا بنا به نیاز در مراحل بعدی پژوهش مورداستفاده قرار بگیرند. پس از پایان فرآیند کدگذاری، مرحله بعدی تحلیل اطلاعات آغاز شد. در این مرحله واحدهای اطلاعاتی (کدها)، به منظور یافتن قواعد تکرارشونده در آن‌ها باهم مقایسه شدند. مجموعه‌ای از واحدهای اطلاعات به دلیل داشتن قواعد تکرارشونده و تشابهات معنایی و تفسیری در یک مقوله جای‌داده شدند و به تناسب محتویات داخل آن، یک نام برای آن مقوله انتخاب شد. فرآیند تحلیل اطلاعات در حرکت‌های رفت و برگشتی بین توصیف و تفسیر، قیاس و استقراء و مفاهیم عینی و انتزاعی، سرانجام در مرحله‌ای متوقف شد که مقوله‌های به دست آمده قابلیت ادغام و تحت شمول قرار گرفتن مفاهیم انتزاعی‌تر را نداشتند. فرآیند کدگذاری طی سه مرحله تحت عناوین آزاد، محوری و گزینشی (ابوالمعالی، ۱۳۹۰: ۴۰۲) انجام شد. مقوله‌های استخراج‌شده از آخرین مرحله کدگذاری، در مرحله استنتاج یافته‌ها و ارائه گزارش توصیفی، در قالب ابعاد سه‌گانه دین‌داری (اعتقادات، اخلاق و احکام) تنظیم شدند. در مرحله بعد به منظور ارائه گزارش تفسیری از یافته‌های پژوهش در راستای استنتاج گونه‌های دین‌داری، ابتدا یافته‌های پژوهش با یکی از انواع اخیر گونه‌شناسی دین‌داری در ایران (طبقه‌بندی میرسندسی) مقایسه تطبیقی شدند تا تفاوت‌ها و شباهت‌های گونه‌شناسی مذکور با یافته‌های پژوهش آشکار شود. در مرحله بعد به منظور پاسخگویی به سؤال پژوهش در مورد انطباق یا عدم انطباق تجربه دین‌داری افراد با اهداف اعتقادی نظام، مراحل به این شکل طی شد: ابتدا اهداف اعتقادی - اخلاقی نظام در مقایسه با ویژگی‌های انواع گونه‌های دین‌داری موردبررسی قرار گرفت؛ بعد برای تشخیص نوع دین‌داری موردنظر نظام که متبلور در اهداف است، اهداف بر اساس مؤلفه‌های آن نوع از دین‌داری (دین‌داری رسمی) مقوله‌بندی شدند؛ سپس مقوله‌های حاصل از اهداف با مقوله‌های استنتاج شده از پژوهش در یک مقایسه تطبیقی قرار گرفتند تا میزان انطباق یا عدم انطباق آشکار

شود. در مرحله آخر بر اساس یافته‌های توصیفی و تفسیری پژوهش، انواع دین‌داری دانش‌آموختگان نظام آموزش و پرورش شناسایی و معرفی گردید.

یافته‌های پژوهش

۱- حوزه اعتقادات

۱-۱- خدا

الف) خدا هست: بر اساس تحلیل‌های انجام شده در متن مصاحبه‌ها، باور به وجود خدا، بدیهی‌ترین باور بود که بی‌هیچ قید و شرط و استدلال عقلی در نظام باورهای افراد جای داشت. تمام مصاحبه‌شوندگان بدون در نظر گرفتن تعلق به خانواده پایبند به اعمال مذهبی یا غیر پایبند به اعمال مذهبی، اذعان به وجود خداوند داشتند. این باور به شکل یک اعتقاد زیرساختی، سایر باورها و اعتقادات دینی را حمایت می‌کند؛ گاهی به‌عنوان باوری بی‌بدیل تنها نشانه دین‌داری فرد تلقی می‌شود و گاهی همچون یک حس درونی بی‌واسطه به رسمیت شناخته می‌شود.

"من خدا رو صد در صد قبول دارم مگه میشه کسی خدا رو قبول نداشته باشه" (مصاحبه‌شونده کد ۳)؛ "من همیشه فکر می‌کنم کسایی که خدا رو قبول ندارن یا اونجوری که ما باورش داریم باورش ندارن چه جور زندگی می‌کنن؟" (مصاحبه‌شونده کد ۶)؛ "کسی که خدا رو باور نداره هیچی نداره" (مصاحبه‌شونده کد ۱۲)؛ "نمیشه وجود خدا رو انکار کرد" (مصاحبه‌شونده کد ۲)؛ "خدا منشأ دنیاست خدا نبود هیچی نبود" (مصاحبه‌شونده کد ۱۰)؛

ب) خدا دوست داشتنی است:

وجود یک رابطه عاطفی عمیق و سرشار از احساس دل‌بستگی و نزدیکی بین مصاحبه‌شوندگان و خدا، قطع نظر از تعلق آنان به خانواده پایبند به اعمال مذهبی یا غیر پایبند به اعمال مذهبی، در تمام مصاحبه‌ها مشهود بود. عشق به خدا همچون یک پیامد اجتناب‌ناپذیر باور او در وجود افراد قابل حس و درک است؛ به‌گونه‌ای که به نظر می‌رسد این عشق افراد را به سمت باور خدا رهنمون شده است و به اصطلاح مقدم بر باور است.

جملاتی همچون: "من خدا رو خیلی دوست دارم" "من عاشق خدا هستم" "من خدا رو از خودم و پدر و مادرم بیشتر دوست دارم" در غالب مصاحبه‌ها تکرار شده است.

گونه شناسی تجارب دینی دانش‌آموختگان دبیرستانی و...

ج) خدا قدرتمند است: اعتقاد به اینکه قدرت خدا مافوق همه قدرت‌هاست و تکیه‌گاه قابل‌اعتمادی در بحران‌های زندگی است، در قالب باورهای مختلف در متن مصاحبه‌ها مشاهده می‌شود. تفاوتی که در این زمینه بین دو گروه متعلق به خانواده‌های پایبند به اعمال مذهبی و غیر پایبند به اعمال مذهبی مشهود است، تأثیر این باور در زمانه‌ای احساس ترس و بحران بر پایبندی به نمادها و رفتارهای دینی در بین جوانان متعلق به خانواده‌های غیر پایبند به اعمال مذهبی است. رابطه‌ای که در زمانه‌ای یادشده بین این افراد و خدا شکل می‌گیرد به شکل یک رابطه یا تعامل تجارت گونه است.

"همه گفتن نماز بخون خدا بهت کمک می‌کنه کارات بهتر پیش میره و تو کنکور موفق میشی منم به حرفشون گوش دادم و نتیجه دیدم. من برای نماز خوندن دلیل دیگه‌ای جز این ندارم که تکیه کنم به یک منبع قدرت و ازش کمک بگیرم" (مصاحبه‌شونده کد ۱۱)؛ "زمانی که خیلی دلم گرفته باشه و از چیزی ناراحت باشم و چاره‌ای نداشته باشم و باید به خدا رجوع کنم نماز می‌خونم" (مصاحبه‌شونده کد ۴)؛

از تبعات دیگر این باور، ایجاد احساس ترس است. ترس از قدرتی مافوق قدرت‌های معمولی بشری که قادر به انجام هر کاری است؛ لذا برخلاف دستوراتش نباید کاری انجام داد. این طرز نگرش میان مصاحبه‌شوندگان متعلق به خانواده‌های پایبند به اعمال مذهبی شایع‌تر از گروه دیگر بود.

"جلوه‌های خشم و غضب خدا هم وقتی نمود پیدا می‌کنه که از اوامرش سرپیچی کنی. خدا هم مثل پدر و مادره. وقتی بچه کار بد می‌کنه پدر و مادر امکاناتشو قطع می‌کنن و بهش اخم می‌کنن و زندگی رو بهش سخت می‌کنن. بهتره این در مورد خدا نشه چون بشه آدم از زندگی سیر میشه این که خدا بخواد از آدم رو برگردونه خیلی بده" (مصاحبه‌شونده کد ۱۰)؛

۲-۱- معاد

اعتقاد به روز جزا در متن مصاحبه‌ها به شکل باوری فراگیر میان مصاحبه‌شوندگان اعم از تعلق به خانواده‌های دین‌دار یا غیر دین‌دار قابل مشاهده است. اگرچه اذعان به وجود روز جزا میان این افراد مشترک است ولی ریشه‌های این باور متفاوت است. باورهای مذکور به دو دسته قابل تفکیک‌اند.

الف) معاد هست چون خدا هست خدا عادل است.

ب) معاد هست چون در قرآن آمده است.

استدلال افراد معتقد به وجود معاد به دلیل وجود خدا و عدالت او به این شکل صورت‌بندی می‌شد: در این دنیا عدالت نیست ولی خدا عادل است و این پارادوکس است. پس معاد باید باشد تا عدالت خدا جاری شود. اعتقاد به عادل بودن خدا همچون باور به وجود او جزء باورهای بدیهی تلقی می‌شد که هیچ‌گونه سؤالی را بر نمی‌تافت.

" قرار نیست همه آدم‌ها جواب همه کارهاشونو همیشه تو این دنیا ببینن امکان داره یه آدمی خیلی خوب باشه ولی زندگیش تو این دنیا بد باشه یا یه آدم دیگه خودش بد باشه ولی زندگیش خوب باشه چون این دنیا آخرش نیست که همه چیز اینجا تموم بشه و ما بر اساس اتفاقات این دنیا بگیم پس خدا عادل نیست قراره زندگي به یه شکل دیگه اون دنیا ادامه پیدا کنه و عدالت اونجا به طور کامل برقرار میشه" (مصاحبه‌شونده کد ۱۲)؛

" خیلی‌ها هستن که تو این دنیا ظلم می‌کنن و برای خودشون راست راه میرن شما فکر کنین آدم آگه به معاد اعتقاد نداشته باشه چه حس بدی بهش دست میده. من آگه به معاد اعتقادی نداشته باشم هر کاری دلم بخواد می‌کنم و هیچ کس هم نیست جلومو بگیره. آدم‌ها با این عقل ناقصشون تو این دنیا دادگاه گذاشتن و هر کس کار بد بکنه می‌برنش محاکمه حالا خدا به این بزرگی معاد و نذاره؟" (مصاحبه‌شونده کد ۶)؛

گروه معتقد به وجود معاد با استناد به قرآن که همه، افراد متعلق به خانواده‌های پاییند به اعمال مذهبی هستند، باور قرآن را هم‌ردیف باور خدا دانسته و معتقدند که آیات قرآن با اخباری در خصوص معاد حجت را بر بندگان تمام کرده است.

"قرآن برای من خیلی محکمه و هر چیزی که تو قرآن باشه من بی‌چون و چرا قبول می‌کنم. من حتی چیزهایی که تو قرآنه و به لحاظ عقلی برام قانع‌کننده نیست ولی صرفاً چون تو قرآنه قبولش دارم. من خدا رو باور دارم و باور دارم که قرآن از جانب خداست و مطمئن هم هستم که یک کلمش هم جا به جا نشده پس وقتی گفته معادی وجود داره در بست قبول می‌کنم" (مصاحبه‌شونده کد ۵)؛

"می‌دونم معاد هست و من باورش دارم. تا الان هر چی تو قرآن بوده کل دنیا دارن بهش می‌رسن چون همه حرف‌های قرآن درست از آب در اومده پس قطعاً خبر از معادش هم درسته" (مصاحبه‌شونده کد ۷)؛

۳-۱- نبوت

ادراک شرکت‌کنندگان در مصاحبه در خصوص موضوع نبوت کاملاً با دو موضوع قبلی متفاوت است. جنس مقولات قبلی از نوع ادراک و احساس منجر به باور است ولی جنس این مقوله از نوع دانش و اطلاعات است. ادراک در مورد این مقوله به گونه‌ای است که گویا باور یا عدم باور آن خللی به دین‌داری یا خداباوری افراد وارد نمی‌کند. ادراک نبوت میان شرکت‌کنندگان در مصاحبه در دو زیر مقوله قابل توصیف است.

الف) افرادی با این نام‌ها در تاریخ بوده‌اند ولی پیامبر نبوده‌اند.

ب) افرادی با این نام در تاریخ بوده‌اند و پیامبر بوده‌اند.

گروه معتقد به بند "افرادی با این نام‌ها در تاریخ بوده‌اند ولی پیامبر نبوده‌اند"، بر این باورند که به شهادت تاریخ افرادی بوده‌اند که یا مدعیان دروغین پیامبری بوده‌اند یا به دلیل درستکار بودن، چنین لقبی (پیامبر) به آنان نسبت داده شده است. این گروه منکر ارتباطات خاص این افراد با خدا هستند و معتقدند که اصل نبوت از اساس زیر سؤال است چراکه خداوند به انسان‌ها عقل و شعور عطا کرده که از طریق آن درست و نادرست را تشخیص دهند و به همین دلیل اصولاً نیازی به بعثت پیامبران برای هدایت نوع بشر نبوده چراکه عقل بهترین راهنما و هدایتگر است. "به نظر من چنین آدم‌هایی از نظر تاریخی وجود داشتن ولی به نظر من خیلی بالا نشون داده شدن خیلی خوب نشون داده شدن یه جوری فراتر از ذهن نشون داده شدن من هیچ کدوم از معجزه‌ها رو قبول ندارم و اینکه اون آدم‌ها باخدا ارتباطات خاص داشتند رو اصلاً قبول ندارم" (مصاحبه‌شونده کد ۳)؛

"همش فکر می‌کنم یعنی چی که از جنس خود آدم‌ها یکی بیاد بشه راهنماشون و اون‌ها رو هدایت کنه پس عقل و شعور خود آدم‌ها چی میشه؟ در ضمن من اصلاً صد و بیست و چهار هزار پیغمبر رو قبول ندارم این رقم خیلی بوده و به نظرم واقعی نبوده اسامی این پیغمبران هم هیچ کجا نیومده. ولی بلاخره یه چیزی بوده افرادی به اسم پیغمبر در طول تاریخ بوده" (مصاحبه‌شونده کد ۲)؛

گروه معتقد به بند "افرادی با این نام در تاریخ بوده‌اند و پیامبر بوده‌اند" که غالباً فرزندان خانواده‌های پایبند به اعمال مذهبی هستند، همچون گروه معتقد به بند. افرادی با این نام‌ها در تاریخ بوده‌اند ولی پیامبر نبوده‌اند"، مستندات تاریخی را گواهی بر وجود پیامبران دانسته و در

کنار آن گاهی به شواهد قرآنی نیز اشاره می‌کنند. این گروه گر چه ایمان به اصل نبوت دارند ولی در کاربردی بودن آموزه‌های پیامبر اسلام در عصر حاضر، میان اعضای این گروه اختلاف نظر هست. گروهی معتقدند اقتضائات زندگی در عصر کنونی تأسی به سیره پیامبر را ایجاب نمی‌کند و گروهی دیگر پیامبر خاتم (ص) را اسوه حسنه برای کل زمان‌ها و مکان‌ها می‌دانند.

"پیامبران رو باور دارم اونم باز به این دلیل که تو قرآن اومده... اینو قبول دارم که اونا برگزیدگان خدا و بهترین آدم‌های زمانه خودشون بودن ولی نمیشه اونا صد در صد الگوی رفتاری برای ما باشن. شرایط خیلی تغییر کرده و اصلاً قابل مقایسه نیست. سخته که بتونی شرایط رو تطبیق بدی و کسی رو الگوی خودت قرار بدی که چند قرن قبل زندگی می‌کرده" (مصاحبه‌شونده کد ۷)؛

"من بحث نبوت رو هم بر این اساس که در قرآن اومده صد در صد قبول دارم. من واقعاً قبول دارم که اونا الگو هستن الگوی هر زمان چون قرآن گفته لقد کان لکم فی رسول‌الله اسوه حسنه در این دیگه اصلاً نمیشه شک کرد؛ یعنی وقتی اون مهر و موم‌ها، پیامبراون رفتارها رو نشون می‌داده صد در صد خدا این روزها رو می‌دیده و سال‌های بعد رو هم قطعاً دیده که گفته پیامبر برای شما اسوه حسنه هست" (مصاحبه‌شونده کد ۵)؛

۲- حوزه اخلاق

تحلیل متن مصاحبه‌ها در حوزه اخلاق، مقولات زیر را در برداشت:
الف) نگاه اجتماعی به اخلاق. ارتباطات میان فردی محل تبلور اخلاق است و اخلاق به‌طور عمده یعنی رعایت حریم دیگران.
"چارچوب بااخلاق بودن برمی‌گردد به محترم شمردن خودت و دیگران و عدم تجاوز به حقوق دیگران" (مصاحبه‌شونده کد ۱)؛

ب) بااخلاق بودن هم‌معنا با "انسان بودن" "خوب بودن" "باوجدان بودن" "بر اساس موازین عقل رفتار کردن" است.

"انسان بودن با اخلاق بودن معنی‌اش یکیه. کسی می‌تونه اسم خودشو انسان بذاره که بااخلاق باشه" (مصاحبه‌شونده کد ۲)؛

گونه شناسی تجارب دینی دانش‌آموختگان دبیرستانی و...

ج) تبعات دنیوی بی‌اخلاقی همچون عذاب وجدان و آزار روحی یا تاوان و مکافات جدی‌تر و خطرناک‌تر از عواقب اخروی است.

"کارهای غیراخلاقی، زندگی این دنیای آدمو خراب می‌کند" (مصاحبه‌شونده کد ۹)؛
"مهم‌ترین عامل بازدارنده از بی‌اخلاقی عذاب وجدانه. من خیلی به عواقبش فکر نمی‌کنم چه اخروی چه دنیوی عذاب وجدان خیلی منو اذیت می‌کند و من برای فرار از اون سعی می‌کنم دروغ نگم" (مصاحبه‌شونده کد ۲)؛

د) ریشه‌های نه لزوماً دینی اخلاق
"دین همه جزئیات اخلاق رو نداره و هیچ دینی هم به نظر من کامل نیست انسان با مراجعه به عقل و شعور و وجدان خودش همه خوب و بدها رو می‌تونه تشخیص بده. ممکنه مسأله‌ای توی دین نیومده باشه ولی در مقطعی از زمان ما به حکم وجدان و اخلاق تشخیص بدیم که باید فلان مسأله رو رعایت کنیم" (مصاحبه‌شونده کد ۱۱)؛

مقولات یادشده بالا بی‌ارتباط به تعلق افراد به خانواده‌های پایبند یا غیر پایبند به اعمال مذهبی، در متن مصاحبه هر دو گروه به چشم می‌خورد. فقط چهار مورد از مصاحبه‌شوندگان که افراد متعلق به خانواده‌های پایبند بودند، معتقد بودند که ریشه‌های اخلاق صد در صد در دین است و لزوماً آنچه به‌عنوان پایدها و نیاید‌های اخلاقی می‌شناسیم همه در دین موجود است و این رابطه کاملاً متناظر است.

"من به جرأت می‌تونم بگم که از دید من اخلاق ریشه‌هاش صد در صد در دینه و هیچ مسأله اخلاقی رو همیشه پیدا کنی که دین از طریق قرآن توصیه‌ای در موردش نکرده باشه" (مصاحبه‌شونده کد ۵)؛

۳- احکام

اعتقاد به احکام و عمل به دستورات دینی به دو شکل بی‌اعتقادی کامل و اعتقاد در متن مصاحبه‌ها خودنمایی می‌کند. گروه غیر معتقد بر این باورند که عمل به احکام، رفتارها و اعمال نمادینی هستند که هیچ تأثیری در تعمیق و یا بهبود رابطه انسان با خدا ندارند. این قبیله دستورات در زمان ظهور دین به دلیل نیازها و ضرورت‌های آن دوره در دین وارد شده‌اند که به‌مرور زمان ضرورت خود را از دست داده‌اند.

"چیزی به نام احکام رو اصلاً نمی‌تونم قبول داشته باشم. شما چیزی به نام وضو رو در نظر بگیرید این برای عرب اون موقع بود که سال تا سال آب به بدنش نمی‌زد بعد او مدن چیزی به اسم وضو گذاشتن که به بهانه اون، این عرب یه آبی به بدنش برسه ولی الان چی؟ الان که مردم هر روز حمام میرن ضرورت وضو چی می‌تونه باشه؟ تازه الان که در نظر بگیرین مسلمونها غالباً کثیف‌تر و بدبو تر از اکثر آدمای دیگه هستن پس می‌بینیم که همین احکام و رعایت کردنش هم نتونسته تأثیری روی بهبود وضعیت زندگی مردم مثلاً از نظر بهداشتی داشته باشه" (مصاحبه‌شونده کد ۳)؛

اظهارات گروه معتقد، متفاوت است که در سه زیر مقوله قابل طبقه‌بندی است:

(الف) مرجعیت عقل در تشخیص چگونگی عمل به احکام (قبول نداشتن موضوع مرجع تقلید)

"هر وقت کسی در مورد احکام صحبت می‌کنه من به یاد تقلید کردن می‌فتم که به نظر من مسخره‌ترین چیزه؛ یه دلیلش میتونه این باشه که کسانی رو که ما باید ازشون تقلید کنیم مردم یا حداقل بگم جوونا دیگه قبولشون ندارن. این مسأله احکام هم دوباره برمیگرده به مسأله عقل و قدرت تفکر آدمای کسی که میتونه فکر کنه قطعاً میتونه تشخیص بده که کجا چه جور رفتار کنه و به چه شکل" (مصاحبه‌شونده کد ۲)؛

"در مورد احکام من اعتقاد اینه که آدم باید به عقل و شعور خودش رجوع کنه من خودم هیچ وقت مرجع تقلید نداشتم. یه سری رفتارهای دینی هست که در طول سال‌ها و قرن‌ها همین‌طور سینه به سینه منتقل شده تا به ما رسیده خوب این‌ها اگه قرار بود تغییر کنه در طول این چند قرن تغییر می‌کرد بنابراین هیچ لزومی نداره بابت همین‌ها دوباره به مرجع تقلید مراجعه کنیم یه سری رفتارهای ریز دیگه هست که همیشه بین مراجع تقلید محل اختلاف بوده و هرکدوم یه نظری دارن و هر کس هم میاد از یکیش تبعیت می‌کنه و خدا هم نهایتاً قراره از همشون قبول کنه حالا این وسط منم میام اون حکمی رو انتخاب می‌کنم که با عقلم بیشتر جور در میاد و بهش عمل می‌کنم آیا این با عدالت خدا سازگاری داره که بگه تویی که این رفتارها رو اینجوری انجام دادی ازت قبول نیست چون مرجع تقلید نداشتی ولی اون یکی که دقیقاً همین رفتار رو انجام داده ازت قبوله چون مرجع تقلید داشته؟ این به نظر شما مسخره نیست؟ به نظر من کسانی که بحث مرجعیت رو تو جامعه راه انداختن نیتشون بیشتر سیاسی بوده حالا چه الان

گونه شناسی تجارب دینی دانش‌آموختگان دبیرستانی و...

چه پونصد سال پیش و می‌خواستن قشر روحانی از بیکاری در بیان و به دکون بازاری برایشون درست بشه" (مصاحبه‌شونده کد ۶)؛

ب) مرجعیت و کفایت قرآن در تشخیص چگونگی عمل به احکام (قبول نداشتن موضوع مرجع تقلید)

"به نظرم در چیزهای مهم و اساسی احکام، قرآن هست و کفایت می‌کنم من اصلاً بحث مرجعیت رو قبول ندارم شما می‌بینین که اونا هر کدومشون به حرفی می‌زنن و اصلاً بین خودشون هم همدیگه رو قبول ندارن و با همدیگه اختلاف دارن پس آدم چه جور می‌تونه به اینا اعتماد کنه و ازشون تقلید کنه؟" (مصاحبه‌شونده کد ۷)؛

ج) لزوم تقلید و تبعیت محض از مراجع تقلید در حوزه احکام

"من به مرجع تقلید اعتقاد دارم و خودم مرجع تقلید دارم. مرجع تقلید راه دین رو به افراد نشون میده این افراد زحمت کشیدن درس خوندن احادیث رو از هزار و چهارصد سال پیش جمع کردن همراه با درکی که از قرآن دارن همه رو جمع کردن و کتابی به اسم رساله درست کردن که امثال ما ازش استفاده کنیم. من منافاتی بین تقلید و شعور انسانی نمی‌دونم که خیلی‌ها اینو بهانه می‌کنن و بحث تقلید رو زیر سؤال می‌برن به نظر من اتفاقاً نشانه شعور و فهم یک انسانه که در مورد مسائلی که علم و آگاهی نداره از دیگران کمک بخواد تا دچار اشتباه نشه و راه درست رو بره" (مصاحبه‌شونده کد ۱۰)؛

"من مرجع تقلید رو قبول دارم چون آدم این جور مسئولیت کاراشو میندازه گردن یکی دیگه و این خیلی راحت‌تره. کسانی که بحث مرجعیت رو قبول ندارن کلاً نمی‌خوان دین داشته باشن چون کسی که می‌خواد دین داشته باشه بلاخره باید یه سری کارها رو انجام بده که نشون داده بشه که دین داره و ناگزیر باید یه سری احکام رو رعایت کنه خوب حالا این احکام از کجا قراره بیان؟ یه سریا که تو قرآن هست حالا این آدمی که مرجعیت رو قبول نداره قطعاً خودش نیامد از تو قرآن اینا رو در بیاره مرجع رو هم که قبول نداره پس بلاخره چی باید بشه؟ مرجع آسون‌ترین روشه که در اختیار ما قرار داده‌شده. طبیعیه که هر رشته‌ای متخصص خودشو داره مراجع هم متخصص‌های رشته خودشون هستن" (مصاحبه‌شونده کد ۵).

تفسیر یافته‌ها بر اساس گونه‌های دین‌داری

به‌منظور تفسیر یافته‌های پژوهش حاضر بر اساس گونه‌های دین‌داری، لازم است یکی از انواع گوناگون تقسیم‌بندیها در این مورد اساس کار قرار گیرد. در این مرحله نتایج حاصل از تحلیل محتوای کیفی مصاحبه‌ها در یک مقایسه تطبیقی با گونه‌شناسی میرسندسی مورد مقایسه و بررسی قرار می‌گیرند و در مرحله بعد سعی در استنتاج نوع جدیدی از گونه‌شناسی خواهیم داشت.

تحلیل و تفسیر داده‌ها بر اساس گونه‌های دین‌داری ارائه شده توسط میرسندسی می‌تواند متضمن نتایج زیر باشد.

گروهی از مصاحبه‌شوندگان (سه نفر) در بازگویی تجارب و ادراکات دینی خود ادراکات کل‌نگرانه‌ای نسبت به موضوع دین داشتند به این معنی که گویی ابعاد مختلف دین بی‌هیچ شک و شبهه‌ای مکمل یکدیگر بوده و غفلت از یک بعد و تساهل و تسامح در پایبندی به یکی از ابعاد، منجر به زیر سؤال بردن موجودیت اعتقاد دینی خواهد شد. در متن مصاحبه آنان نشانی از برجسته‌سازی یا فرو گاهی بعدی از ابعاد دین، ادراکات خود بنیاد از دین و یا تفاسیر منتج از شخصی‌سازی دین به چشم نمی‌خورد. از لحاظ تعلق به نوع خانواده از حیث نوع یا درجات پایبندی به دین، این افراد، فرزندان خانواده‌های پایبند به اعمال مذهبی بودند اگرچه تفاوت‌هایی در نوع دین‌داری این خانواده‌ها نیز قابل ملاحظه است. یکی از این خانواده‌ها در گروه دین‌داران سنتی قابل طبقه‌بندی است و دو خانواده دیگر به اصطلاح رایج در جامعه ایران از گروه خانواده‌های شریعت‌گرا محسوب می‌شوند که به دلیل تبعیت از روحانیت و همچنین نوع دین‌داری مورد تأیید متولیان دین می‌توان آنان را در گروه‌های مورد اشاره میرسندسی (دینداران رسمی و دینداران با واسطه) نیز قرارداد.

در گروه مورد مطالعه، دین‌داری باورگرا از میان انواع دین‌داری‌های نامتعادل، چشم‌گیرترین نوع دین‌داری بود. نه شرکت‌کننده از دوازده شرکت‌کننده، عمیق‌ترین، بدیهی‌ترین و بی‌بدیل‌ترین باور را نسبت به وجود خداوند داشتند. این افراد فرزندان خانواده‌هایی بودند که به لحاظ دین‌داری در طیفی از کاملاً پایبند تا کاملاً غیر پایبند قرار داشتند. آثار این باور میان افراد، به‌ظاهر متفاوت بود ولی از حیث جنس همه از جنس احساس و عاطفه بود. آرامش قلبی حاصل از باور به یک موجود ماورایی، احساس اطمینان از تکیه به یک قدرت بی‌بدیل به‌منظور نیل به آرزوها و

گونه شناسی تجارب دینی دانش‌آموختگان دبیرستانی و...

خواست‌ها، احساس ترس، احساس شادی، احساس خوشبختی همه از آثار چنین باوری در میان افراد بود. منشأ این باور از جانب مصاحبه‌شوندگان بی‌ارتباط با آموزش‌های رسمی و غیررسمی و یا شواهد و دلایل قلمداد شده و غالباً بر فطری بودن خدا باوری و یا احساس خدا بی‌هیچ واسطه‌ای اعتراف می‌شد. نکته قابل توجه این است که در برخی مصاحبه‌ها باور خدا کاملاً بی‌ارتباط با قبول دین تلقی شده است.

"من خدا رو صد در صد قبول دارم مگه میشه کسی خدا رو قبول نداشته باشه هیچ ربطی هم به دین نداره هر کسی در وجود و فطرت خودش می‌تونه خدا دوست باشه" (مصاحبه‌شونده کد ۳)؛

"باور خدا مثل قبول عبارت دو به اضافه دو مساوی چهاره هیچ شکی تو وجود خدا ندارم و مثل یک امر بدیهی قبولش دارم" (مصاحبه‌شونده کد ۱۲)؛

در متن مصاحبه‌های این افراد باور معاد نیز کاملاً برجسته و مشهود است ولی این باور از حیث جنس و همچنین آثار و تبعات مترتب با باور خدا متفاوت است. نخست اینکه این باور جنسی از نوع استدلال دارد نه احساس و عاطفه.

"من فکر می‌کنم که من یه خالقی دارم و این خالق منو با این همه پیچیدگی‌ها و ظرافت‌ها خلق کرده حالا چطور ممکنه آخرش تبدیل به پوچ بشه علت اصلی اینکه من معاد رو باور دارم اینه که من نمی‌تونم پوچ رو تصور کنم من نمی‌تونم نیست رو تصور کنم من نمی‌تونم غیر عادل بودن خالقمو تصور کنم ولی وقتی به این فکر میکنی که معادی وجود داره از این تصور پوچی در میای" (مصاحبه‌شونده کد ۹)؛

دیگر اینکه در برخی موارد بر این باور هیچ اثری مترتب نیست و بنا به اذعان افراد تأثیری در بازدارندگی از گناه و یا پایبندی بیشتر به اخلاقیات ندارد.

"قبول معاد خیلی روی رفتار و اخلاقم تأثیر نداره منظورم اینه که قبل از اینکه من به اون مرز برسم که ترس از آخرت مانع انجام کار بد بشه وجدان و فطرت دست به کار میشن خیلی کم پیش میاد ندای وجدان رو اونقدر نادیده بگیرم که آخرش به اونجایی برسه که بخوام از ترس جهنم کاری رو انجام ندم" (مصاحبه‌شونده کد ۴)؛

آثار منتج از این باور در برخی موارد به شکل احساس آرامش ناشی از این حس که "عدالتی هست" خود را نشان می‌دهد.

"فکر معاد خیلی وقت‌ها باعث خوشحالی‌م شده وقتی به کار خوب انجام دادم می‌دونم اگه جوابمو تو این دنیا نگیرم حداقل تو اون دنیا جوابمو می‌گیرم" (مصاحبه‌شونده کد ۱۱)؛

توجه به مناسک به‌جز سه مورد یادشده که در دسته دین‌داران متعادل قرار داشتند در بقیه موارد به شکل محدود در حد اقامه نماز و گاهی روزه‌داری به چشم می‌خورد ولی در غالب موارد به شکل مخالفت صریح با برخی احکام و مناسک دینی بود. موارد عمل به احکام و مناسک در کنار سایر باورها یا ناباوری‌ها قدرت عرض‌اندام نداشت لذا در مورد گروه مورد مطالعه پژوهش حاضر **دین‌داری نامتعادل تحت عنوان دین‌داری مناسک‌گرا** مصداقی نداشت.

"به نظر من بحث احکام بازار کاریه برای کسانی که این رساله‌ها رو می‌نویسن به نظر من مغز دین و باطنش که همون اعتقاد قلبیه از همه مهم‌تره آیا ما می‌تونیم بگیریم مسلمون عامل به احکام که خیرش به هیچ‌کس نمی‌رسه پیش خدا عزیزتر از مسلمونیه که احکام رو رعایت نمی‌کنه ولی صد تا بچه یتیم رو نگه داری می‌کنه؟" (مصاحبه‌شونده کد ۶)؛

دین‌داری اخلاق‌گرا به آن معنا که از میرسندسی نقل شده و به معنای اخلاق بدون خدا یا اخلاق منهای دین است در متن مصاحبه‌ها مشهود نیست. اگرچه هشت مورد از مصاحبه‌شوندگان ریشه‌های اخلاق را چیزی به‌جز دین قلمداد کرده‌اند ولی بی‌خدایی عنصری است که در هیچ‌یک از موارد مذکور به چشم نمی‌خورد. آنچه در این موارد بارز است باور خداست و الزامات اخلاقی متعهدانه. خدایی که دست بشر را در امور اخلاقی باز گذاشته و دخالتی در آنها ندارد ولی اهرم‌های کنترل‌گری همچون عقل و فطرت و وجدان به انسان عطا کرده تا ضمانتی باشد بر باخلاق بودنش. با این تفکر خدا هست ولی خدای مداخله‌گری نیست نه از پیش قوانین اخلاقی صادر کرده نه پس‌ازاین به خاطر بی‌اخلاقی مواخذه خواهد کرد. آنچه به شکل بارز در متن کلیه مصاحبه‌ها به چشم می‌خورد بااهمیت تلقی کردن بیش‌ازحد امور اخلاقی است به‌گونه‌ای که شاید بتوان نماز را نادیده گرفت یا اصل نبوت را باور نکرد ولی هرگز نمی‌توان اخلاق را تعطیل کرد. در نگاهی دیگر و با زاویه دید متفاوت به مباحث اخلاقی، در مباحث مطلق‌انگاری و نسبی‌انگاری اخلاق، رگه‌هایی از نسبی‌گرایی اخلاقی با تفکرات اخلاق کارکرد-گرایانه یا سودانگاران در متن مصاحبه‌ها به چشم می‌خورد.

گونه شناسی تجارب دینی دانش‌آموختگان دبیرستانی و...

"به نظر من ریشه اخلاق در جامعه‌ست هنجارها و ارزش‌های جامعه تعیین می‌کنند هر زمانی چی اخلاقیه و چی اخلاقی نیست. نیازهای جامعه تعیین می‌کنند باید به چی پایبند بود. خانواده هم که یک جامعه کوچیکه همین نقشو می‌تونه داشته باشه" (مصاحبه‌شونده کد ۱۱)؛

"پایبندی‌های من رو به مسائل اخلاقی دین شکل نداده و من اعتقادات خودم رو به این شکل بیشتر دوست دارم من پایبندی‌های اخلاقی و موازین اخلاقیمو خودم شکل دادم بر اساس تجاربم تو زندگی‌م پیروزی‌هایی که داشتم شکست‌هایی که داشتم خودم به این نتیجه رسیدم که فلان مسأله رو رعایت کنم بهتره پس رعایت می‌کنم شاید دین هم همون رو توصیه کرده باشه ولی من ادعا نمی‌کنم که پایبندیم به دین باعث رعایت مسائل اخلاقیه" (مصاحبه‌شونده کد ۹)؛

دین‌داری تجربه‌گرا در معنای موردنظر میر سندسی در هیچ‌کدام از موارد در پژوهش حاضر مشاهده نشد اگرچه کلیه افراد تجارب معنوی و دینی خاص داشتند.

"یه بار داشتم طلوع خورشید و از پنجره اتاقم می‌دیدم واقعاً احساس کردم خدا همین الان بغل دستم نشسته اون موقع خیلی حس خوبی بهم دست داد. این یه احساس خوشحالیه که بعدش منجر به یه آرامش قشنگ میشه که اثرش ماندگاره و تا روزها باهام هست این احساس برام زیاد پیش میاد به خصوص وقتی میرم توی طبیعت یا به یه بچه‌ای نگاه می‌کنم که خیلی پاکه معمولاً چنین حسی بهم دست می‌ده" (مصاحبه‌شونده کد ۳)؛

"بعضی وقت‌ها موقع نماز خوندن احساس می‌کنم سبک شدم انگار روحم از بدنم جدا میشه این حس توأم با یه حس عجیبی از شغف و خوشحالیه ولی خیلی کم و به ندرت پیش میاد. زمانه‌ای دیگه بعضی وقت‌ها که کارای خوب می‌کنم این حس عجیب و دارم مثلاً وقتی که راست‌گویی به ضررم بوده ولی راستشو گفتم و تو سختی و دردسر افتادم ولی بعدش احساس کردم خدا داره بهم لبخند می‌زنه. لبخند خدا به من یک دنیا آرامش و انرژی می‌ده" (مصاحبه‌شونده کد ۲).

گونه‌های دین‌داری شناسایی‌شده در پژوهش حاضر

نوع دین‌داری غیررسمی شکل‌گرفته در شرکت‌کنندگان اگرچه کم و بیش از موردی به مورد دیگر متفاوت است ولی در یک نگاه جامع‌نگر محورهایی در آنها قابل تشخیص است که شاید بتوان بر اساس آنها گونه‌هایی از دین‌داری غیررسمی را استخراج کرد. محورهای استخراج‌شده از متن مصاحبه‌ها عبارت است از: **اخلاق فطری، خدا و عقل.**

محور اخلاق فطری در متن مصاحبه‌ها با جملاتی کلیدی قابل توصیف است. "دین یعنی مجموعه‌ای از دستورات اخلاقی، پس دین‌دار بودن یعنی با اخلاق بودن ولی معیار اخلاق نه در دستورات دین بلکه به شکل امری درونی و در ندای فطرت انسان‌ها موجود است" با این محور، **دین‌داری اخلاق فطرت** گرا شکل می‌گیرد.

محور خدا با این جملات قابل توصیف است. "خدا هست چون حس می‌شود. نیاز به استدلال ندارد. دین یعنی تبلور خدا در زندگی پس دین‌دار بودن یعنی داشتن رابطه با خدا" با این محور **دین‌داری خدا باورانه** شکل می‌گیرد.

محور عقل در قالب این جملات توصیف می‌شود: "دین چیزی بیش از رعایت چارچوب‌های عقلی در گفتار و کردار نیست پس دین‌دار یعنی کسی که مطابق عقل رفتار می‌کند." با این محور **دین‌داری عقل‌گرایانه** شکل می‌گیرد.

اهداف اعتقادی-اخلاقی و گونه‌های دین‌داری

نگاه به مجموعه اهداف قیدشده در قسمت چارچوب مفهومی پژوهش، تأکید بر کلیه عناصر چهارگانه دین رسمی را در اهداف کلان نظام آموزش و پرورش مشخص می‌کند. به منظور بررسی انطباق یا عدم انطباق اهداف نظام رسمی آموزش و پرورش با دین ادراک‌شده افراد مورد پژوهش، اهداف مذکور کدگذاری و مقوله‌بندی شدند و بر اساس عناصر چهارگانه دین رسمی مقولات زیر حاصل شد.

آیین‌ها و آموزه‌ها: اعتقاد به اصول دین و مذهب (شیعه) شامل توحید، معاد، نبوت و امامت **تجلی مذهبی:** عبودیت (متجلی در رفتارهایی همچون نماز، جهاد، شهادت، امر به معروف و نهی از منکر و غیره)

سازمان نهادی: اعتقاد به ولایت فقیه و مرجعیت علمای دینی

معیارهای اخلاقی: با معیارهای سه‌گانه عقل، جامعه و خدا

مطابق گزارش‌ها توصیفی و تفسیری از تحلیل یافته‌های کیفی در قسمت‌های قبلی مقاله، با اندکی تساهل و تسامح در حوزه اصول دین، اعتقاد به وجود خدا و وحدانیت او حاصل شده است با این تفاوت و تبصره که باور اصول اعتقادی در دین اسلام باید محصول تفکر، تعقل و اندیشیدن باشد ولی یافته‌های پژوهش حاضر متضمن چنین نتیجه‌ای نیست و باورها عقبه‌ای از جنس شهود و بصیرت دارند تا تعقل و استنتاج.

گونه شناسی تجارب دینی دانش‌آموختگان دبیرستانی و...

اعتقاد به معاد به شکل باوری عمومی میان همه شرکت‌کنندگان پژوهش یافت شد ولی به شکل باوری غالباً بی‌حاصل و بی‌نتیجه از حیث اثرات بازدارنده از گناه بلکه به شکل باوری نشأت‌گرفته از باور وجود عدالت در جهان در راستای تأمین آرامش روحی افراد.

باور اصل نبوت و اعتقاد به وجود امامان کم‌مایه‌ترین باور از میان باورهای اعتقادی بود حتی در میان گروه معتقد به وجود چنین اشخاصی، اثرات متعج از این باور بسیار کم‌رنگ بود به‌گونه‌ای که غیرکاربردی بودن رهنمودهای این بزرگان به دلیل متفاوت بودن شرایط اجتماعی و فرهنگی، از مؤکدات صریح در متن غالب مصاحبه‌ها (ده مورد) بود.

سازمان‌نهادی (اعتقاد به ولایت فقیه و مرجعیت علمای دینی): موضوع ولایت فقیه و مرجعیت علمای دینی از موارد مورد تأکید در سیاهه اهداف اعتقادی نظام است که به لحاظ مقوله‌بندی، هر دو در مقوله سازمان‌نهادی دین قرار می‌گیرد لذا در این قسمت به هر دو مورد اشاره شده است ولی در تنظیم سؤالات پژوهش در راستای ابعاد سه‌گانه دین‌داری، فقط موضوع مرجعیت علمای دینی مورد توجه بوده است. موضوع مرجعیت علمای دینی به‌جز سه شرکت‌کننده، مورد قبول سایر شرکت‌کنندگان نبود. استدلال غالباً به این شکل صورت‌بندی می‌شد که انسان‌ها صاحب عقل و شعور هستند و تقلید در فروع و احکام دین با عاقل و باشعور بودن انسان‌ها در تضاد است.

تجلی مذهبی: عبودیت (در قالب رفتارهای دینی همچون نماز، روزه...) به‌غیر از مورد نماز خواندن که با فراوانی نسبی پنجاه‌پنجاه بین مصاحبه‌شوندگان رواج داشت، بقیه مصادیق تجلی مذهبی حتی در بین افراد اقامه‌کننده نماز بسیار کم رواج بود. احساسات منفی نسبت به فلسفه روزه، حج و احکام اقتصادی اسلام (خمس و زکات) شایع بود.

"به نظرم روزه گرفتن به کار بی‌بهره می‌رسد. اینکه نخوری و به خودت فشار بیاری رو چیز مهمی نمی‌دونم و به نظرم هیچ تأثیری در ارتباط آدم با خدا نداره. چند بار گرفتم ولی نتیجه خاصی جز ضرر ازش ندیدم. ضررهای جسمی روزه خیلی زیاده. روزه گرفتن هیچ‌وقت حس معنوی به من نداده" (مصاحبه‌شونده کد ۲)؛

"مثلاً شما در مورد احکام اقتصادی دین فکر کنین همش موجبات منفعت‌طلبی و سودجویی برای یک قشر خاصیه. این پول‌هایی که بابت خمس و زکات و فطریه جمع میشه واقعاً معلوم

نیست صرف چي ميشه اصلاً اين پول‌ها چرا بايد از طريق يك واسطه به دست مستمندان برسه؟ مگه چه اشكالي داره خودمون اين پول‌ها رو به نيازمندان بديم." (مصاحبه‌شونده كد ۲)؛

معياري‌هاي اخلاقي (با معياري‌هاي سه‌گانه عقل، جامعه و خدا) معياري‌هاي اخلاقي استخراج‌شده از متن مصاحبه‌ها در پنج مقوله قابل دسته‌بندي است: عقل، جامعه، خدا، وجدان و فطرت كه در سه مورد با مقولات استخراج شده از اهداف نظام هم‌خواني دارد. تفاوت عمده‌اي كه در اين زمينه مشهود است مصاديق اخلاق است كه برخي موارد مطرح شده در سياهه اهداف با موارد ذكر شده در متن مصاحبه‌ها متفاوت است. به‌عنوان مثال عفيف بودن از ديد مصاحبه‌شوندگان به معنای رعايت چارچوب‌هاي سخت‌گيرانه دين در خصوص ارتباط با نامحرم نيست و يا رعايت پوشش اسلامي در ميان دختران از مصاديق بااخلاقي تلقى نمي‌شود.

"با هر نامحرمي يه جور رفتار مي‌كنم اگه احساس كنم يه آدم ذهن بدى داره پيش اون آدم سعي مي‌كنم خودمو محدود كنم و باهاش خيلي ارتباط نداشته باشم و خيلي بهش نزديك نشم ولي اگه يه كسي رو بدونم واقعاً ذهن خوبي داره و آدم پاكيه اصلاً برام مهم نيست كه مثلاً باهاش دست بدم يا باهاش حرف بزوم يا ارتباط صميمانه‌اي داشته باشم" (مصاحبه‌شونده كد ۴)؛

"در ارتباطاتم با اطرافيان فرقي بين زن و مرد وجود نداره همون معياري‌هاي كه براي ارتباط با يك دختر دارم همونها هم در مورد ارتباط با يه پسر صدق مي‌كنه اينكه فطرت پاكي داشته باشه برام تعيين كنندست" (مصاحبه‌شونده كد ۶).

بحث و نتيجه‌گيري

تصور شكل‌گيري ادراكات و تجارب ديني از طريق آموزش‌هاي رسمي و مستقيم و به همان شكل قصد شده متوليان امر تعليم و تربيت تصوري غيرواقع‌بينانه و گمراه‌كننده است. اين امر اگرچه در مورد ساير معارف بشري نيز مصداق دارد ولي در بحث آموزش دين فاصله بين پيامدهاي يادگيري و اهداف چشم‌انداز با شدت و عمق بيشتري خود را نشان مي‌دهد. اين موضوع از چند جنبه قابل بررسي و تأمل است:

گونه شناسی تجارب دینی دانش‌آموختگان دبیرستانی و...

موضوع اول مربوط به ماهیت علوم دینی است که به دلیل تعلق به حوزه علوم انسانی و ماهیت غیرتجربی و تفسیر پذیرش، تنوع در ادراکات و فهم افراد از مقوله دین در طیفی پرحدامنه قرار می‌گیرد که گاه تصور تعلق این ادراکات به مقوله‌ای واحد را غیرممکن می‌سازد.

موضوع دوم مربوط به ماهیت آموزش‌های مربوطه است. چنانچه در نظر داشته باشیم که هدف از آموزش دین نه فقط انتقال صرف دانش دینی بلکه ایجاد تغییراتی در حوزه باورها و اعتقادات افراد است می‌توان پذیرفت که نگاه ساده‌انگارانه به چگونگی شکل‌گیری باورها و اعتقادات دینی، مجال‌های اندک تأثیر و ایجاد تغییر را از متصدیان امر آموزش دین سلب خواهد کرد. اگرچه نمی‌توان مدعی شد که شکل‌گیری باورها و اعتقادات دینی امری فارغ از آموزش و کسب دانش دینی است ولی سهم عمده‌ای از ادراکات و تجارب دینی منجر به باور و ایمان، جنس و ماهیتی متفاوت از دانش دارد و به همان نسبت روشهای آموزش متفاوتی را نیز طلب خواهد کرد.

موضوع سوم در مورد شرایط فکری حاکم بر جهان در ارتباط با موضوع دین است. ظهور مدرنیته و انزوای دین به دنبال خروج دین از عرصه حیات جمعی بشر در بیشتر کشورهای جهان و ظهور اندیشه‌های تحول‌گرایانه در خصوص دین، مواجهه با امر آموزش دین را از موضوعی اساسی به موضوعی حاشیه‌ای تبدیل کرده است. اگرچه کشور ایران به دلیل دارا بودن حکومتی دینی سعی در دور ماندن از جریان‌های بنیان‌برافکن ضد دینی دارد ولی به دلیل اقتضائات زیست در دهکده جهانی، چنین امری نامحتمل به نظر می‌رسد.

موضوع چهارم مربوط به آسیب‌شناسی تربیت دینی است. عدم توجه کافی به آسیب‌های موجود در حوزه تربیت دینی به دلایل مختلف از جمله تحجر و جمود فکری حاکم بر جامعه در این خصوص، از جمله آفت‌های بزرگ در راه تأسیس یک جامعه دینی مطلوب با شهروندانی دین‌دار است. استدلال موجود در این زمینه به این شکل صورت‌بندی می‌شود که باورهای دینی مبتنی بر یقین و قطعیت است و دین اصولاً یک نظم هنجاری را تبلیغ می‌کند که مبتنی بر حقایق و آموزه‌های دینی است؛ لذا روش‌های تربیت دینی نیز باید از چنین قطعیت و ثباتی برخوردار باشد. این طرز تفکر منجر به پافشاری بر روش‌های تربیتی می‌شود که به لحاظ فضای فکری خاص حاکم بر جامعه جهانی و تحولات بنیادین در الگوهای فکری و سبک زندگی مردم، موضوعیت خود را ازدست‌داده‌اند و یا اگر هنوز از جمله روش‌های مفید محسوب می‌شوند نیاز

به بازننگری جدی دارند. به‌عنوان مثال یکی از روش‌های تربیت دینی که از دیرباز موردتوجه و تأکید صاحب‌نظران امر بوده، روش اسوه‌پردازی است که به دلیل بی‌توجهی و مسامحه، خود تبدیل به یک روش آسیب‌زا در فرآیند تربیت دینی شده است. ازجمله آسیب‌های این روش، فرا انسانی جلوه دادن الگوهای دینی و تقدس بخشی بسیار به آنان است تا حدی که متریان، خود را از همانندسازی با آنان عاجز می‌بینند (حاجی ده‌آبادی، ۱۳۸۰: ۱۳۷). "ولی به نظر من این آدم‌ها خیلی بالا نشون داده شدن خیلی خوب نشون داده شدن یه جوری فراتر از ذهن نشون داده شدن" (مصاحبه‌شونده کد ۳). آنچه در تربیت دینی با روش اسوه‌پردازی حائز اهمیت است، دریافت روح و جوهره پیام و نیز تشخیص موقعیت زمانی و مکانی رفتار و گفتار الگوهاست (همان منبع، ۱۳۶). تعمیم‌های نابه‌جا در این روش نه‌تنها اثر تربیتی مثبتی ندارد بلکه آسیب‌های تربیتی جدی نیز از خود به‌جا می‌گذارد. "کاری که اون بزرگان در اون زمان انجام میدادن مخصوص اون زمان بوده برای اینکه رفتاری بتونه الگو باشه باید یکسان بودن شرایط الان و اون موقع رو در نظر گرفت" (مصاحبه‌شونده کد ۸).

از جمله دیگر آسیب‌های تربیت دینی که رد پای آن کمابیش در پژوهش حاضر قابل‌ملاحظه است، ناتوانی نظام تعلیم و تربیت در پاسخ‌گویی به انبوه‌سوال‌ات دینی نسل جوان است. سؤالاتی که برخاسته از فضای گفتمانی جدیدی از دین و دین‌داری است و نیاز به اهتمام جدی برای ارائه پاسخ‌هایی درخور دارد. سخنان و پرسش‌های نسل جوان در یک فضای تربیتی تعاملی و آزاداندیشانه باید شنیده شود تا نیازها و دغدغه‌ها شناسایی شود. عدم توجه به این موضوع منجر به آسیبی در تربیت دینی می‌شود که باقری از آن تحت عنوان آسیب "گسست آفرینی" یاد می‌کند. در این حالت عایقی میان دو نسل ظهور می‌کند و سخنان آنان توسط هم شنیده نمی‌شود. در نتیجه نظام تربیتی بدون توجه به نیازها و مسائل مبتلابه نسل جدید اقدام به برنامه‌ریزی می‌کند و چون این برنامه‌ها با نظر به مسائل نو شونده افراد طرح نشده، رفته‌رفته گسست ظهور می‌کند (باقری، ۱۳۸۰: ۲۵). کشاورز (۱۳۸۷) نیز در همین راستا اشاره می‌کند که ضروری است نظام ارزشی که در وجود دانش‌آموزان نهادینه شده است شناخته و تحلیل شود و تربیت دینی با نگاهی حکیمانه موردنقد و نظر قرار گیرد. نگاه حکیمانه نگاهی است که به‌قصد پایدار کردن پیام تربیت دینی ظرفیت متربی را در نظر می‌گیرد و بین ظرف و مظروف نسبت منطقی برقرار می‌کند.

گونه شناسی تجارب دینی دانش‌آموختگان دبیرستانی و...

آنچه در نتایج پژوهش حاضر به تصویر کشیده شد مؤید این نکته است که ادراکات و تجارب شکل‌گرفته افراد از دین تابعی از آموزش‌های رسمی در چارچوب اهداف از پیش تعیین‌شده نظام رسمی آموزش و پرورش نیست و آموزش دین رسمی الزاماً منجر به پرورش دین‌داران رسمی نمی‌شود. در این مورد نیز نگاه به ماهیت و جوهره دین همچنین بسترهای فرهنگی و اجتماعی زیرساختی می‌تواند تا حدودی جوابگوی این نوع اختلافات فاحش باشد. مدل رسمی دین به‌طور عام و در کشور ایران به‌طور خاص با موضوعات مذهبی غیررسمی، برگرفته از "دین قومی"، اسطوره‌ها، فرهنگ‌عامه، نظرهای مبتنی بر اطلاعات غلط معلمان دین رسمی و... آمیخته می‌شود. اگرچه دین رسمی به‌طور مشخص یک پیکره منسجم و سازگار از باورها و اعمال است، اما تعبیر و برداشت افراد از آن ضرورتاً منسجم و سازگار نیست. افراد در مواردی دین را در جهت سازگاری با زندگی خویش تغییر می‌دهند و بسیاری از مردم را می‌توان مشاهده کرد که به‌راحتی مجموعه ناسازگار و ناهماهنگی از باورها و اعمال دینی دارند" (میر سندسی، ۱۳۹۰: ۱۱۵). یکی از موارد چالش‌برانگیز در خصوص عدول از چارچوب‌های تعیین‌شده دین رسمی و شیوع دین‌داری غیررسمی، بحث اصالت اراده^۳ است. افراد در جوامع مدرن بر این باورند که کلیه عناصر و شئون زندگی فردی خود را باید با اراده آزاد خود تعیین کنند که مختصات باور و عمل دینی از این قاعده مستثنا نیست. در جوامع امروزی، افراد هنگامی که به درجاتی از بلوغ فکری می‌رسند بین انتخاب بر اساس اراده آزاد و دستورات تجویزی دین دچار تضاد می‌شوند و درنهایت با این استدلال که خداوند انسان را صاحب اراده آزاد و صاحب عقل و شعور آفریده دست به انتخاب از بین مؤلفه‌ها و عناصر دین می‌زنند و مجموعه‌ای از عناصر خودساخته، فرهنگی و دینی را تحت عنوان دین برای خود برمی‌گزینند که از آن در متون پژوهش دینی تحت عنوان "دین‌داری خود بنیاد"^۴ یا شخصی‌سازی دین نام‌برده می‌شود. در پژوهش حاضر به‌جز دو مورد، در متن کلیه مصاحبه‌ها آثار و نشانه‌های دین‌داری خود بنیاد یا شخصی‌سازی دین به چشم می‌خورد که به نسبت میزان اهمیت به هر کدام از ابعاد دین، نوع خاصی از دین‌داری غیررسمی شکل می‌گیرد.

-
1. Folk
 2. Myths
 3. Voluntarism
 4. Subjectivity

منابع

- ابوالمعالی، خدیجه، (۱۳۹۰): پژوهش کیفی از نظر تا عمل، تهران: نشر علم.
- آریایی نیا، مسعود، (۱۳۸۸): درآمدی بر علوم انسانی انتقادی، تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی.
- ایمان، محمدتقی، (۱۳۸۸): مبانی پارادایمی روش‌های تحقیق کمی و کیفی در علوم انسانی، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- باقری، خسرو، (۱۳۸۷): هویت علم دینی نگاهی معرفت‌شناختی به نسبت دین با علوم انسانی، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- باقری، خسرو، (۱۳۸۰): آسیب و سلامت در تربیت دینی، تربیت اسلامی، شماره ۶، صفحات ۱۴-۶۰.
- حاجی ده آبادی، محمدعلی، (۱۳۸۰): آسیب‌شناسی روش اسوه‌پردازی در تربیت دینی، تربیت اسلامی، شماره ۶، صفحات ۱۳۴-۱۴۱.
- دانیایی‌فرد، حسن، کاظمی، حسین، (۱۳۹۰): پژوهش‌های تفسیری در سازمان استراتژی‌های پدیدارشناسی و پدیدار نگاری، تهران: دانشگاه امام صادق.
- سراج زاده، حسین، (۱۳۸۴): چالش‌های دین و مدرنیته مباحثی جامعه‌شناختی در دین‌داری و سکولار شدن، تهران: انتشارات طرح نو.
- شورت، ادموند سی، (۱۳۸۷): روش‌شناسی مطالعات برنامه‌درسی، ترجمه محمود مهر محمدی و همکاران، تهران: انتشارات سمت.
- صالحی امیری، رضا، (۱۳۸۷): مسائل اجتماعی دین در ایران، تهران: پژوهشکده تحقیقات استراتژیک.
- کشاوری، سوسن، (۱۳۸۷): شاخص‌ها و آسیب‌های تربیت دینی، دو فصل‌نامه تربیت اسلامی، سال سوم، شماره ۶، بهار و تابستان، صفحات ۹۳-۱۲۲.
- گال، مردیت. بورگ، والتر. گال، جويس، (۱۳۸۸): روش‌های تحقیق کمی و کیفی در علوم تربیتی و روانشناسی، ترجمه نصر، احمدرضا و همکاران، جلد اول و دوم، تهران: انتشارات سمت و انتشارات دانشگاه شهید بهشتی.
- مک کارتی، ای، دی، (۱۳۸۸): معرفت به‌مثابه فرهنگ جامعه‌شناسی معرفت جدید، زیر نظر و مقدمه: توکل، محمد، تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی.
- میرسندهی، محمد، (۱۳۹۰): مقدمه‌ای بر جامعه‌شناسی دین و انواع دین‌داری، تهران: انتشارات جامعه‌شناسان.